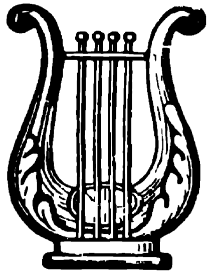
توانا بود هرکه دانا بود



آهنگ‌های محلی

دفتر اول

ترانه‌های ساحل دریای مازندران

دیماه ۱۳۲۳

از انتشارات ادارهٔ موسیقی

چاپخانهٔ مجلس

مقدمه

یکی از منابع ذی‌قیمت موسیقی هر کشور آهنگ‌ها و نغمات و ترانه‌هائیست که در نقاط مختلف آن مملکت خاصه دردهات وقصبات دور ازشهر بوسیلهٔ مردم روستائی و ده نشین خوانده میشود وچون این نوع موسیقی کمتر تحت تأثیر افکار مردم شهرنشین واقع شده طبیعی‌تر وبموسیقی حقیقی و اصلی و قدیمی آن کشور بیشتر نزدیك است و جمع آوری آنها علاوه بر اینکه باعث حفظ و نگاهداری و از بین نرفتن آنهاست کمکی‌هم بتحقیق در بارهٔ مختصات موسیقی آن مملکت میکند و کیفیت و چگونگی آنرا معلوم میسازد و از مقایسهٔ آن نغمات با آنچه در شهرها معمول و متداول است بخوبی میتوان بخواص موسیقی آن کشور پی‌برد .

یکی از اوّلین اقداماتی که اروپائیان برای درك وفهم موسیقی مملکتی میکنند جمع آوری این نوع نغمات است و بسیاری از نوازندگان معروف ، این آهنگ‌ها را موضوع ساختمان قطعات بزرگی‌که درموسیقی ایجاد کرده قرار داده‌اند ولی درایران تا کنون بواسطهٔ فراهم نبودن وسائل و کمی آشنائی موسیقی دانهـا بخط موسیقی ، این کار عملی نشده است و اگر بعضی ازموسیقی دانهای اهل تحقیق و تجسس اروپائی چیزی از این آهنگ‌ها را جمع کرده باشند زیاد بنوشته های آنها نمیتوان اطمینان یافت زیرا بواسطهٔ عدم آشنائی بمقامات مخصوصی که در موسیقی ایران است ممکن است در ضمن نت نویسی از بعضی پرده‌ها که در موسیقی مشرق زمین پیدا میشود صرف نظر کرده و یا خواص طبیعی و نکات خاصی را کـه سبب تمایز موسیقی ماست خوب درك نکرده باشند . بنابرین برای آنها این کار درصورتی عملی است که اصل آهنگ‌هارا بادستگاه ضبط صوت گرد آوری نمایند ولی برای ما ایرانیان که بخوبی بمقامات موسیقی خود آشنائی داریم درصورتیکه در نوشتن آنها دقت لازم بشود البته اینکار عملی‌تر و آسان‌تر میباشد . تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تا کنون چیزی از

توضیح

آهنگ های محلّی هرملّتی بهترین نمونه ای ازتطّور روحی اوست . جمع آوری آنها خدمت بزرگی بتاریخ روحیات و زبان وموسیقی آن ملّت میکند. غور درآنها پیشرفت‌تمدن وارتباط ملل را روشن‌میسازد . این کارمخصوصاً درقرن بیستم‌علمای تاریخ و زبان‌را شیفتهٔ خود کرده و همّت بسزا و مخارج هنگفتی برای این منظور مصروف میدارند .

ادارهٔ موسیقی از ده سال پیش بوسیلهٔ هنر آموزان سرود شهرستانها اقدام به جمع آوری آنها نمود ولی اهمیّت این موضوع کاملاً درك نشد . باین جهت در دو سال اخیر باروش بهتری باز بکار پرداخت واینك دفتر اول‌که دارای مقداری ازآهنگ‌های محلی سواحل دریای مازندران (گرگان ـ مازندران ـ تنکابن ـ گیلان) است توسط وزارت فرهنگ بچاپ میرسد .

آقای لطف‌الله مبشری درجمع آوری آنها کوشش وذوق بخرج داده و **آقای روح الله خالقی** معاون ادارهٔ موسیقی مقدمه‌ای برآن نوشته و در تنظیم و تصحیح این ترانه‌ها همّت گماشته اند . این‌جانب در اصالت آهنگ‌ها گمان نزدیك به یقین دارد و چون کشور ما ایران از سه هزار سال پیش مورد هجومها واقع شده و معبر طوائف و ملل مختلف بوده و نیز بهتر از هرچیز شعر و موسیقی است که خاطرات و یادبود سوانح را نگاهداری میکند احتمال میدهم که ایران از لحاظ آهنگ های محلّی از هر کشور دیگری غنی‌تر باشد .

امیدوار است که وزارت فرهنگ برای دنبال کردن این موضوع تشویق و مساعدتهای بیشتری نماید تاشاید آهنگ‌های محلّی تمام نواحی ایران بتدریج درآتیه جمع آوری شده و در دسترس دوستاران هنر گذارده شود .

رئیس ادارهٔ موسیقی - علینقی وزیری

در اسفند سال ۱۳۲۲ که ادارهٔ موسیقی در نظر گرفت ارکستری برای نواختن موسیقی ملّی ترتیب دهد نگارنده در نظر گرفت نمونه‌ای چند از آهنگ های محلّی را نیز برای این ارکستر تنظیم نماید و پس ازین که چند کنسرت ازین آهنگ‌ها در تالار های فرهنگی و سالن های عمومی و همچنین بوسیلهٔ رادیو داده شد و این آهنگ‌ها از طرف شنوندگان حسن قبول پذیرفت و مورد تشویق صاحبان ذوق و علاقمندان بموسیقی قرار گرفت و نتیجهٔ آن در اغلب روزنامه‌های تهران منعکس شد چنین بنظر رسید که ادامهٔ این رویّه کاملاً با ذوق دوستداران موسیقی ایران بستگی کامل دارد و موجب بسط و توسعهٔ موسیقی ایران خواهد شد. بهمین جهت نگارنده در صدد دنبال کردن این طریقه برآمد چنانکه برای کنسرت های آتیه نیز مقداری از آنها را برای ارکستر تنظم کرده ونوازندگان ایرانی در نواختن آنها نیز کمال علاقه‌را بخرج میدهند ولی چون تنها نواختن آنها آنهم چند ماه یك بار در کنسرتها کافی نبود درصدد برآمد که بکمك آقای لطف‌الله مبشری که آنهارا نوشته وبآهنگ وحالت آنها کاملاً آشنائی داشت آنهارا برای چاپ آماده کند بهمین‌جهت یادداشتهای ایشان را با نظر خودشان بدقت مورد مطالعه قرار داد و آهنگهائی را که گرد آمده بود با دقّت کافی از نو نوشت تا بسبکی که برای همه قابل استفاده باشد در دفترهای متعدد بتدریج برای چاپ حاضر باشد و گزارش اینکار را بنظر استاد ارجمندم آقای **علینقی وزیری** رئیس ادارهٔ موسیقی رسانید و ایشان موضوع را کاملاً قابل توجه تشخیص داده با آقای **دکترعلی فرهمندی** مدیر کل نگارش مطلب را در میان نهادند وقرارشد این اقدام **ادارهٔ موسیقی** بصورت عملی درآید ودفتر اول آهنگهای محلّی ازطرف **وزارت فرهنگ** چاپ شده انتشار یابد. بنابرین دفتر اول‌را که مربوط بآهنگهای ساحل دریای مازندران است هم اکنون در دسترس علاقمندان باین هنر میگذارد و امیدوار است دفتر دوم را بآهنگ های کردی که مقداری از آنها نوشته شده است اختصاص دهد. البته درصورتیکه این اقدام مورد قبول اهل هنر قرارگیرد و موجبات مسافرت بنقاط دیگر ایران برای کسانی که باین کار آشنائی کامل دارند فراهم شود شاید بتوان در آتیه با نوشتن آهنگهای نقاط دیگر بتدریج این کار را تکمیل کرد واین نغمات‌را که بهترین یادگار موسیقی ماست ازدستبرد حوادث زمانه

آهنگ های محلی ایران اگر بوسیلهٔ موسیقی دانهای اروپائی جمع آوری شده باشد بچاپ نرسیده و اگر موسیقی دانی بایران آمده و آهنگی را که بنظر او مطبوع و دلپسند آمده نوشته باشد آنرا موضوع ساختن یك قطعهٔ موسیقی قرار داده و البته بواسطهٔ عملی نبودن اجرای کامل مقامات ایرانی برای آنها (بواسطه دارا بودن فواصلی که از ربع پرده تشکیل میشود) بکلی آنرا بصورت دیگر درآورده است. پس اینکار باید بوسیلهٔ موسیقی دانهای ایرانی عملی شود که بمختصات موسیقی خود آشنائی کامل دارند.

در چند سال قبل که اداره‌ای در وزارت فرهنگ بنام ادارهٔ موسیقی کشور تأسیس شد بتمام هنرآموزان سرود و موسیقی شهرستانها دستور داده شد که این آهنگ‌هارا جمع آوری کرده و اصل آنهارا بدون تصرف نوشته بتهران بفرستند و در این اداره پرونده‌ای ازین آهنگ‌ها پدید آمد. موقعی که به نگارنده در این اداره خدمتی ارجاع شد بمطالعهٔ این پرونده مشغول گردید وچند نمونه ازین آهنگ‌ها را هم که در مجلهٔ موسیقی چاپ شده بود ملاحظه کرد و بخوبی دریافت که بین معلمین سرود و موسیقی شهرستانها کمتر کسی با دقت لازم این کاررا انجام داده وحتی برخی از آنها ملتفت موضوع نشده بعضی از تصنیف‌ها را نیز که جزء موسیقی شهرهاست موسیقی عامیانه تصوّر کرده و در نوشتن آهنگ‌های محلی نیز دقت لازم را نکرده و منظوری که از این کار در نظر بوده بطوری که باید عملی نشده است. تنها در میان معلّمین موسیقی نوشته‌های آقای **لطف‌الله مبشری** که درآن موقع بتهران انتقال یافته بود قابل ملاحظه بود و معلوم شد که این موسیقی‌دان با ذوق علاوه بر اینکه مقصود از جمع آوری آهنگ های محلّی را خوب درك کرده در مأموریتی که در کردستان داشته مقداری از آهنگ های آنجارا نیز نوشته و در طرز اجرا و نواختن آنها هم دقت کافی بکار برده است. بنابرین از طرف ادارهٔ موسیقی بوزارت فرهنگ پیشنهاد شد که برای جمع آوری این آهنگها نامبرده را مأمور نقاط ساحلی دریای مازندران کنند تا بجمع آوری این ترانه‌ها بپردازد و این شخص پس از دوبار مسافرت باین صفحات مقداری از نغمات معمول گرگان و مازندران و تنکابن و گیلان را نوشت و ضمن گزارشی بادارهٔ موسیقی تقدیم داشت.

بحث قرار داد

۱ - از لحاظ وزن - آهنگ‌های محلی معمولا دارای وزن است گرچه‌در این دفتر نمونه‌ای از آهنگ‌های بی ضرب نیز نوشته شده‌است ولی‌اکثر نغمات محلّی‌ضربی است و وزن آنها ازلحاظ کندی وتندی مختلف است و برای اینکه نوازندگان‌بتوانند این ترانه‌ها را بهمان وزنی که خوانده میشود بنوازند در بالای هر آهنگ بوسیلهٔ اصطلاحاتی که در موسیقی معمول است حرکت هر نغمه با اعداد مترونوم (۱) نشان داده شده که برای نوازنده و خواننده تقلید حرکت اصلی کاملاً از لحاظ وزن عملی باشد

آهنگ های این دفتر یا بوزن $\frac{۲}{۴}$ و یا اکثر بوزن $\frac{۶}{۸}$ است و اگر بندرت بعضی از آنها بصورت $\frac{۳}{۴}$ و یا $\frac{۳}{۸}$ نوشته شده از لحاظ راحتی نت خوانی بوده است و گرنه تمام آهنگ های دو وزن اخیر را میتوان با حرکت $\frac{۶}{۸}$ نیز نوشت آنچه مسلّم است وزن $\frac{۶}{۸}$ معروف ترین اوزان موسیقی کشور ماست و چون تمام رقصها و رنگ‌های ایرانی با این حرکت است و حالت نشاط دارد بنا بر این هر کدام از این آهنگها راکه کمی از حالت معمولی خود تندتر اجرا کنیم میتوان با آن رقصید وزن $\frac{۲}{۴}$ نیز که در بعضی از آنها بکار برده شده وزنی است طبیعی وساده وآسان بهر حال میتوان گفت که ازلحاظ وزن اکثر این‌نغمات دوضربی‌است زیرا میزان ترکیبی $\frac{۶}{۸}$ هم ازمیزان ساده $\frac{۲}{۴}$ گرفته شده است بنابرین ازجهت وزن باید گفت که‌آهنگ های محلی با همان اوزانی است که بیشتر مطبوع طبع ما ایرانیان است وخواص موسیقی ضربی مارا خوب نشان میدهد و بهترین معرّف موسیقی وزون ایراست

سکوت هائی که اغلب در آغاز جملات هست وبرای نفس کشیدن (در موقع خواندن) یا برای نواختن نیز ضرب بوسیلهٔ آلات ضربی از قبیل طبل یا تنبک بکار برده میشود نیز مانند موسیقی شهری ماست واین سکوت ها که اغلب در تصنیفها ورنگ هائی که نوازندگان ایرانی ترکیب میکنند پیدامیشود کاملا درموسیقی طبیعی وآهنگ های محلی نیز موجود است(۲) ساده‌ترین نمونهٔ این سکوت ها که دراغلب

(۱) Metronome

(۲) برای نمونه بمیزانهای ۱و۴و۵و۶و۸و۱۱ آهنگ نرگس غله پائی وبسیاری از آهنگهای این دفتر مراجعه نمائید .

محفوظ نگاه داشت

اکنون که سخن باین جا رسید قبل از نوشتن آهنگ‌ها و اشعاری که معمولاً با آنها خوانده میشود بهتر است نکات فنی آنهارا نیز در این مقدمه شرح دهم تا کسانیکه علاقمند بمطالعهٔ آنها هستند با توجه باین نکات بهتر بخواص و چگونگی آنها پی برند بنا براین از دو نظر در آنها بحث میکنم یکی از لحاظ موسیقی و دیگر از لحاظ شعر و چون بحث از جهت موسیقی بیشتر با فن نگارنده تماس دارد در آن قسمت بتفصیل مینویسد و از جهت شعر بکلیاتی اکتفا میکند و بحث مفصل این آهنگ ها را از لحاظ شعر بعهدهٔ دانشمندان و شعرا و اهل تحقیق میگذارد که درین زمینه مجال بحث کافی دارند و بتفصیل میتوانند پس از تحقیق دقیق مطالب قابل توجهی برشتهٔ تحریر آورند

بطور کلی آنچه ازین قبیل آهنگ‌ها تا کنون شنیده‌یا ثبت آنها را دیده‌ام آهنگ‌های محلی عبارتست از نغمات کوچکی که با اشعاری بوزن دوبیتی خوانده میشود چنانکه آهنگ‌های این دفتر نیز اغلب با شعر توأم است ولی گاهی نیز نغمات دیگری شنیده میشود که با شعر خوانده نمیشود و باسازهای محلّی بوسیلهٔ نوازندگان نواخته میشود درین دفتر نیز چند نمونه ازین آهنگ‌ها نوشته شده‌است و از ساختمان آنها پیداست که با شعر توأم نیست و در مجالس بزم یا عروسی با ساز نواخته میشود و با آنها یا بطور دسته جمعی و یا انفرادی میرقصند شك نیست که ازین لحاظ نیز موسیقی‌های محلّی برای کسانی که بفن رقص علاقه و آشنائی داشته باشند شایستهٔ کمال دقت است که رقص این آهنگ ها با چه نوع حرکاتی توأم است و البته اشخاصیکه اهل این هنر باشند باید در موقعی که با این آهنگ ها میرقصند خود حضوراً حرکات را ببینند ووضع حرکات را یادداشت نموده آنرا جداگانه مورد بحث قرار دهند بنا براین بحث درین زمینه نیز از وظیفهٔ نگارنده خارج است زیرا کسیکه این آهنگ‌ها را جمع آوری کرده چون منظورش جمع آوری نغمات از لحاظ موسیقی بوده درین قسمت دقت کافی نکرده و این کار باید بوسیلهٔ متخصص این فن صورت بگیرد

اما از لحاظ موسیقی، آهنگ های این دفتر را میتوان از چهار نظر مورد

ساخته میشود کاملاً بهمین سبك است و بطور کلی درموسیقی ما فاصله هـای متّصل از فاصله های منفصل زیادتراست حتی درآهنگ هائی هم که برای نواختن روی سازها درست شده و خوانده نمیشود فواصل پیوسته برفاصله های گسسته برتری دارد و علّت اصلی این امر کمی قدرت نوازندگان وطبیعی وساده بودن موسیقی ایرانیست که باصطلاح اروپائی تکنیك(۱) آن کم است

موضوع دیگر اینکه نغمه های محلی معمولاً زیبا وجذاب و درعین سادگی خوش حالت و دلکش و مطبوع است و در خواندن آنها چیزی که بیش از همه جلب توجه میکند سادگی و زیبائی آنهاست که کاملاً معرّف زندگی بی آلایش و طبیعی مردم روستائیست

۳ - مقام آهنگ‌ها ـ مقصود از این قسمت بحث ازلحاظ مقامهای (۲) مختلفی است که آهنگ های این دفتر را تشکیل میدهد دراین قسمت نیز بخوبی واضح است که این نغمه ها در پرده های مقامات متداول موسیقی ایران یعنی مایهٔ شور (و ملحقات آن از قبیل دشتی و ابوعطا وافشاری) وسه گاه‌ست ومایهٔ اصفهان بندرت دیده میشود چنانکه در بین تمام این آهنگ ها فقط نمونهٔ مایه اصفهان را میتوان در آهنگ « آی امان » و « حون حون » پیدا کرد حتی نسبت مقام سه گاه نیز بمراتب از مقام شور کمتر است در میان ملحقات شور نیز تناسب ابوعطا و دشتی و مخصوصاً دشتی بیش از ابوعطا است و افشاری هم نادر است چنانکه نمونهٔ کامل آن را فقط درآهنگ « سفیده مرغنه » میتوان مشاهده کرد

بطور خلاصه میتوان گفت همانطور که مقام شور و ملحقات آن ازقبیل دشتی و ابوعطا و بیات ترك ساده ترین و بارازی ترین مقامات ایران است نمونهٔ کامل این موضوع را نیز میتوان درآهنگ های محلی ملاحظه کرد و گرنه دربین این آهنگها نمونه ای از بیات ترك دیده نمیشود ولی بعکس آن نمونهٔ شور و مخصوصا دشتی بسیار است و اغلب ترانه هائی که دردشتی است درخاتمه وارد شور میشود

نمونهٔ چهارگاه فقط درآهنگ « گیلایی » دیده میشود و دراین جا نیز چون از حدود دانگ اول تجاوز نمیکند میتوان آنرا در همایون و اصفهان نیز تصور کرد

---

mode (۲)   Technique (۱)

نغمه های محلّی نیز دیده میشود و با مراجعهٔ با آهنگ هائی که در این دفتر نوشته شده خاصیت آن آگاه میشوید در میزان $\frac{6}{8}$ عبارتست از یك سکوت سیاه یا یك سکوت چنگ نقطه دار در سر ضرب

از لحاظ حرکت هم نمونه های مختلفی که در این دفتر نوشته شده از سنگین ترین حرکت مترونوم یعنی (Grave) که هر ضرب آن مساوی ۴۲ میباشد تا حرکت بسیار تند (Presto) که هر ضرب آن مساوی ۱۹۲ است در این دفتر ملاحظه میکنید ولی حرکت اکثر نغمات بحرکت معمولی (Moderato) یا کمتر از آنست

۲ - ساختمان نغمه ها ـ نغمه های محلّی معمولاً دارای فاصله های ساده ایست که برای خواندن آسان است و کسانی که ورزش موسیقی نکرده اند از ضبط و ادای آنها بوسیلهٔ صوت بر میآیند . بنابرین فاصله های دوم بزرگ و کوچك و سوم بزرگ و کوچك و چهارم درست و پنجم درست که برای خواندن ، بسیار ساده و آسان است درین نغمه ها بکار برده شده و چون این فواصل ، دنبال هم خوانده میشود سرائیدن آنها ساده و آسان است نکتهٔ مهمتر اینکه فاصلهٔ دوم نیم بزرگ که از سه ربع پرده تشکیل میشود و همچنین فاصلهٔ سوم نیم بزرگ که از هفت ربع پرده مرکب است و طبیعی ترین فاصله هائیست که در موسیقی ایرانی بکار برده میشود در این آهنگها زیاد دیده میشود واصولاً این نغمات ، از فواصل پیوسته ومتصل که برای ادای صوت راحت تر است ترکیب شده و اگر فاصلهٔ گسسته یا منفصل در آنها پیدا شود از انواع سوم (بزرگ و کوچك و نیم بزرگ) یا فاصلهٔ چهارم درست و پنجم درست تجاوز نمیکند و تنها در یکی ازین آهنگها که بسیار هم زیباست یك بار فاصلهٔ ششم بزرگ مشاهده میشود(۱) فاصلهٔ پنجم نیز کمتر دیده میشود و بطور کلی میتوان گفت که این نغمات مانند تمام آهنگ های آسان از سهل ترین فواصل موسیقی ترکیب شده زیرا سازندهٔ آنها کسانی هستند که موسیقی را از طبیعت آموخته و موسیقی طبیعی البته از لحاظ سرایش(۲) باید آسان باشد اتفاقاً موسیقی معمولی امروز ما هم صرف نظر از آهنگ های محلّی بهمین صورت است و آهنگ هائی که در شهرهای ایران بوسیلهٔ تصنیف سازان

---

(۱) در آهنگ «دون‌دون» میان میزان پنجم وششم .

(۲) Solfège

میرانی (یا هشت میزانی) شود چند کلمه از قبیل جان جان ـ آی امان ـ زهرا جان و غیره دنبال آن خوانده میشود و این نغمهٔ کوچك که از لحاظ شعر عبارت است از یك مصراع و از لحاظ موسیقی یك عضو کوچك جمله نامیده میشود یا چهاربار تکرار میشود یا در دفعه سوم و چهارم تغییر مختصری پیدا میکند درصورتیکه وزن دوبیتی باشد نیز از یك عضو جملهٔ سه چهار میزانی تشکیل میشود که با وزن شعر، متناسب باشد و دراین مواقع نیز یا چهار مرتبه تکرار میشود یا در هر دفعه تغییر مختصری پیدا میکند و ازلحاظ اعضای جمله بهرجهت جفت است به طاق بطور خلاصه میتوان گفت که ساده ترین طرز ترکیب «ملودی» (۱) در آنها بکار برده شده که فراگرفتن آن بسیار سهل و آسان وطبیعی است

آهنگ هائی که شعر نداشته باشد نیز از یك نغمهٔ کوچك (تم) (۲) تشکیل میشود وهمان نغمه درپرده های بالا تر مختصر پرورشی پیدا میکند و کمتراتفاق میافتد که تم اصلی تغییر کند یا اگر تغییر نماید میتوان باز آنرا یك نوع پرورش تم اصلی فرض کرد با وجود این بعضی از آهنگ ها از دو تم مختلف تشکیل میشود مانند آهنگ «هی‌یار هی‌یار» و «باچ لیلی» و «کریشیم» و«جوبی جوبی» و «رمیده» و «نوای‌عروسی» و «ثریا» و «ریماجان» که درآنها دو تم بکار برده شده‌است

اکنون که تا اندازه ای این آهنگ هارا از لحاظ موسیقی تجزیه کردم بی مناسبت نیست که بطور اختصار از لحاظ شعر نیز خصوصیات آنها را تاآنجا که مطلب بدرازا نکشد شرح دهم

۱.۱ از لحاظ شعر ـ گرچه دراین دفتر که بیشتر برای موسیقی دانها مفید است ذکر خصوصیات اشعار آهنگهای محلّی که خود بحث جداگانه ایست باعث طول کلام میشود ولی نظر بارتباط کامل شعر وموسیقی دراین نغمات، ذکرخصوصیات شعری ترانه ها بی فایده نخواهد بود وبهمین جهت ازلحاظ شعر نیز ازسه‌جهت میتوان دراین باره مطالعه کرد

۱ـ وزن‌شعر ـ چنانکه گفته شد آهنگهای محلی غالباً با اشعار دو بیتی که ساده‌ترین نوع شعر فارسی است خوانده میشود . این وزن نیز بدوطریق مختلف که

Thème (۲) Mélodie (۱)

ولی حالت نغمه طوری است که بخوبی حالت چهارگاه را نشان میدهد .

مقام بزرگ که نمونهٔ آن همان مقام ماهوراست درمیان این نغمات دیده نمیشود وگرچه یکی دو آهنگ مانند «لاکو» «و لالائی» طوری است که بنظر کسانی که بمقامات ما آشنائی ندارند درمایهٔ بزرگ جلوه میکنند ولی آنها که بموسیقی ایرانی آشنائی دارند بخوبی ملتفت میشوند که آهنگ «لاکو» درعشاق است و بدشتی فرود میآید وآهنگ «لالائی» نیز بدشتی بیشتر نزدیك است

اما از لحاظ تغییر مقام (۱) چون نغمه های محلی معمولاً کوچك است و مجالی برای تغییر مقام ندارد کمتر نمونه‌ای ازاین عمل درآنها دیده میشود وتنها در بین تمام این نغمه‌ها آهنگ « جون جون » فوق العاده جلب توجه میکند زیرا ازاصفهان شروع میشود و در خاتمه با طرز بسیار مطبوعی بشور فرود میآید چون این نمونهٔ تغییر مقام را در ردیف آوازهای ایرانی نیز ندیده‌ام خیلی تعجب کردم و حتی تردید پیدا کردم که این آهنگ ، طبیعی وسازندهٔ آن آواره خوان یا ساززن محلی باشد ولی آقای مشری خود متوجه این نکته شده ومخصوصاً اظهار داشتند که در موقع نوشتن هرچه دقت کرده‌اند بهمین طریق خوانده میشده و مطالعهٔ این آهنگ برای آن دسته ازموسیقی دانها که فقط تغییر مقام را منحصردرسبکهای معمولی میدانند بسیارجالب توجه و قابل دقت است زیرا این نوع تغییر مقام از لحاظ موسیقی اروپائی و علم هم آهنگی (۲) کاملاً طبیعی و مطبوع است گرچه تغییر مقام از اصفهان بشور در موسیقی ایرانی نیز معمول است ولی معمولاً بهنگام بالا میرود درصورتیکه دراین ج با «بکار» شدن بتسل در حالت پائین آمدن بمقام شور وارد میشویم و در سبك موسیقی معمول این نوع تغییر مقام فوقانی است در صورتیکه دراین جا تحتانی میباشد و سبك آنهم با روش معمول اختلاف دارد

۴ - جمله بندی موسیقی - چون اکثر آهنگهای محلی با اشعاردوبیتی خوانده میشود بنابراین ساختمان جمله ازلحاظموسیقی طوری است که باوزن دوبیتی متناسب باشد معمولاً این آهنگ ها تشکیل میشود از یك نغمهٔ کوچك که در میزان $\frac{6}{8}$ دارای سه میزان و در میزان $\frac{3}{8}$ شامل شش میزان است و گاهی برای اینکه چها

(۱) Modulation (۲) Harmonie

دارد و اغلب در وصف زیبائی معشوق یا توصیف اندام و حرکات و حالات او یا در وصف کیفیت حرمان عاشق از فراق و دوری یار است بعضی از اشعار نیز در وصف اوضاع طبیعی ساخته شده مانند تماشای کنار دریا و جریان سیل در رودخانه و خواندن بلبل و امثال آنها

در پایان این دیباچه این نکته را تذکر میدهد که اغلب آهنگ‌های محلی شعر مخصوصی ندارد و چون اکثر آنهارا میتوان با اشعاری بوزن دوبیتی خواند با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود و هر آهنگی که شعر مخصوصی دارد در ضمن توضیحاتی که جداگانه در بارهٔ ترانه‌ها داده شده ملاحظه خواهید کرد نام این آهنگ‌ها که اغلب از تسلط یکلمه‌ای در شعر دارد برای بعضی از آنها همانطور است که در محل استعمال میشده و بعضاتی که نام مخصوصی ندارند برای اینکه متمایز باشند واز یکدیگر تشخیص داده شوند یکی از کلمات اشعار را اسم آنها قرار داد تا از هم تمیز داده شوند دیگر بیش از این طول کلام را جائز نمیداند و نوشتن اصل آهنگها منیر دارد چنانکه ملاحظه میکنید در هر صفحه شعر محلی و ترجمهٔ آن بزبان فارسی معمول و همچنین ترجمهٔ لغات غیر مأنوس را نوشته است تا عدم درك مضامین اشعار خواننده را دوچار اشکال نکند و ضمناً برای اینکه بدقت بتوان اشعار اصلی را با آهنگها تطبیق کرد سیلابهای شعر چنانکه معمول است با حروف لاتن نیز در زیر نت‌ها نوشته شد تا موسیقی دانها را کاملا راهنمائی کند امیدوار است که زحمت گرد آورندهٔ این آهنگ‌ها و تنظیم کنندهٔ این نغمات را که یکی از منابع موسیقی ماست اهل هنر با تذکر مطالبی که از قلم افتاده تکمیل نمایند تا بتوان در ادامهٔ انتشار این قبیل موضوعات که برای حفظ و نگاهداری موسیقی ملّی ما کمال ضرورت را دارد موفقیتهای بیشتری بدست آورد تهران - مهرماه ۱۳۲۳

روح‌الله خالقی

از اختلاف رکن سوم هر مصراع پدید میآید بکار برده شده است
مفاعیلن مفاعیلن فعولن دلی دارم دل دیوانهٔ و (مربوط بآهنگ آی رهرا رهرا)
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل سفیده مرغمه خوش خط و خوش خال (مربوط بآهنگی بهمین نام)

علاوه بروزن معروف دوبیتی چند وزن عروضی دیگر نیز در اشعار این دفتر ملاحظ میشود از این قرار

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن : دسته دسته جو میه نامزه جان انه (در آهنگ نامزه‌جان)
فاعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن لای لای ای گل من بو گل گلشن من (درترانهٔ‌لالائی)
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن : لا لا لا لا گل لاله پلنگ در کوچه میناله (در آهنگ لالائی)
مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن کیلالی جانم کیلالی خو خوانه مجای کیلا ی (در آهنگ کیلالی)
مفعولن فا مفعولن فا صد بار گفتم همچین مکن (در آهنگ رعنا جان) .
مفعولن مفعولن ماند خدا من ایلامه (در آهنگ ایلامه) (۱)

۲ - کلمات اشعار _ معمولا کلماتی که‌دراین اشعار بکار برده شده‌همان‌لغاتیست که در زندگانی روز مرهٔ مردم دهاتی و روستائی بکار برده میشود و نظر باین که اغلب آنها در وصف معشوق است کلمات عاشقانه نیز زیاد دارد تشبیهاتی هم که د اشعار دیده میشود طبیعی و ساده است از قبیل تشبیه کردن پستان بسیب و یا قوت و شباهت دادن معشوقه به گل و ازین قبیل در قسمت های ساحلی نیز تأثیر دریـ کاملاً در اشعار نمایان است مانند استعمال کلمات دریا و کرجی و مرغ دریائـی درنقاط کوهستانی بکار بردن کلمات چشمه و کوه و غیره ضمناً باید متوجه بود که بعض کلمات باید دراشعار بند ادا شود تا با وزن شعر وموسیقی متناسب باشد مثلاً کلمهٔ ای درآهنگ « بر گس علّه پایی » باینکهٔ سیلاب طولانی (وتدمجموع) ودارای سه حرو است ، باید مانند یک حرف متحرك (سیلاب کوتاه) تلفظ شود یا برعکس بعضی کلما دیگر باانکه کوتاهست باید کشیده شود تا با وزن شعر وموسیقی هم آهنگ شو مانند حرف و ر درآهنگ « ایلامه » که همان معنای کلمات «تو» و «را » رامیدهد

۳ - مضامین اشعار_ همانطور که کلمات‌اشعار محلّی‌لغات‌سادهٔ‌مربوط بزندگا عادی است مضامین اشعار نیز ارتباط کامل با وضع زندگانی مردم ده نشین روستائـ

(۱) شعر باید طوری خوانده شود که باوزن عروضی تطبیق کند بنابرین سیلاب اول در کلمهٔ خد و در کلمهٔ بلند باید کشیده شود .

نرگس قله پانی

آهنگی که آنرا در آغاز این دفتر نوشته‌ایم یکی از زیباترین ترانه‌های صفحات گرگان است و در دهات واقع در مشرق شهر گرگان مخصوصاً در رامیان و کتول خوانده میشود . چون در کتول کلمهٔ « قلّه پان » را بکسی که از قلّه حفاظت میکند اطلاق میکنند ممکن است سازندهٔ آهنگ ، این نغمهٔ زیبا را برای معشوقهٔ خود که نامش نرگس وشغلش محافظت قلّه بوده سروده باشد یاچون دهی درنزدیکی علی‌آباد کتول بنام « قلّه پان » هست ممکن است نرگس از اهل آن ده باشد این آهنگ از مایهٔ « رهاب » شروع و سپس وارد شور میشود



۱ - این سَرِ (۱) کیشه (۲) لَمپا (۳) روشنه — این سرای که چراغ در آن روشن است مال کیست

۲ - این کیجا (٤) کِیشه کتب هِسه (٥) — این دختر که کتاب میخواند مال کیست

م (٦) دلخواه مِ رعنا تِ (۷) نرگس قله‌پانی
تِ نرگس قله پانی قله پانی
چندَه (۸) شیرین زَمانْ (۹) شیرین زَمانی

دلخواه من-رعنای من-توای نرگس قلّه پان
چقدر شیرین زبانی

(۱) سرای (۲) مال کیست (۳) چراغ (٤) دختر (٥) نگاه میکند (٦) من (۷) تو
(۸) چه اندازه (۹) زبان

تذکر

چون خط موسیقی از چپ براست نوشته میشود در قطعاتی که برای خواندن آواز نوشته میشود معمول است که سیلابهای شعر را نیز در زیر نت‌ها بخط لاتن مینویسند و چون خط موسیقی جنبهٔ عمومی و بین المللی دارد و مطالعهٔ این کتاب مخصوصاً از نظر مستشرقین قابل کمال دقت است چنین درنظر گرفته شد که اشعار محلّی نیز در زیر نت‌ها بخطی که بیشتر جنبهٔ عمومی داشته باشد نوشته شود و چون نوشتن اشعار باخط فارسی بخوبی مقصود را نمیرساند همان خط لاتن را برای این منظور انتخاب کرد و برای اینکه مجبور نباشیم برای بعضی حروف مانند ش دو حروف CH و برای چ سه حرف TCH را بنویسیم سبکی را که برای نوشتن خط فارسی با حروف لاتن از مدتها پیش معمول شده بترتیب زیر دراین دفتر انتخاب کردیم

آ	â	ج	j	ف	f
اَ	a	چ	ç	ك	k
اِ-ع	e	ح-ه	h	گ	g
اُ	o	خ	x	ل	l
او	u	د	d	م	m
ئی	ı	ذ-ز-ض-ظ	z	ن	n
ب	b	ر	r	و	v
پ	p	ژ	î	ی	y
ت-ط	t	ش	c	آو (مانند قوم)	ô
ث-س-ص	s	غ-ق	q	ع (ساکن) با ویرگول نشان داده میشود مانند : لَعْل	la'l

❀❀❀

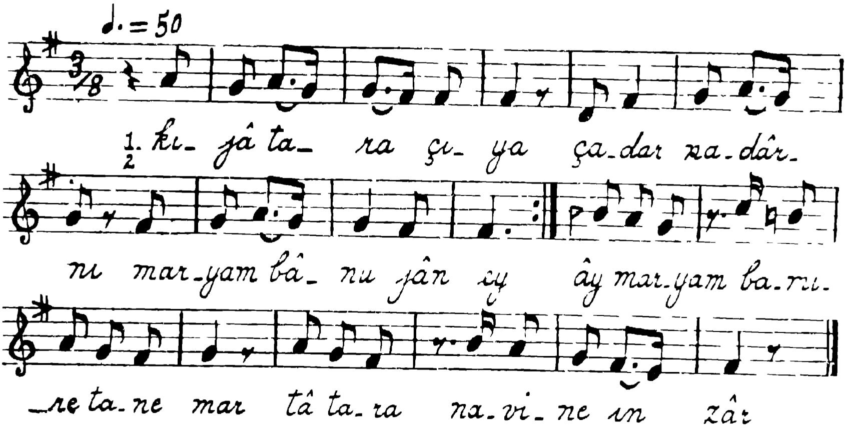
ورساقی

این آهنگ در جشنی که ترکمن‌های همجوار فارسی زبانان گرگان در اسب دوانی میکردند با کمانچه یا « دوتار » نواخته میشود و فاقد شعر است در این جشن‌ها چند نوع ورساقی نواخته میشود که نمونهٔ ذیل بهترین آنهاست این نغمهٔ جذّاب که دارای وزنی سبك نیز میباشد بسیار زیباست نت « فا » و « سی » که گاهی یك ربع پرده بالا وپائین میرود حالت مخصوصی باین آهنگ میدهد که بیشتر موجب زیبائی آن میشود با اینکه این نغمه شباهتی بآواز شور ندارد ولی اصولا میتوان آنرا در همان مایه تصور کرد که درجهٔ دوم و پنجم گام شور دائما در تغییر است این قطعه‌را چنانکه نوشته‌ایم میتوان بدو قسمت تقسیم کرد که قسمت اوّل آن دوضربی و قسمت دوم سه ضربی است



مریم بانو

این ترانه در دهات بالا جاده و کرد محله و خطیر آباد اطراف گرگان خوانده میشود «مریم بانو» را اکنون کسی نمیشناسد و این نغمه بسمت ترانه‌های معمولی قدیمی‌تر و از لحاظ موسیقی در مایهٔ سه‌گاه میباشد نت «سی» که در میزان دوم بعد از «دولاخط» بخلاف معمول سه گاه، یك ربع پرده بالا میرود حالت مخصوصی بآن میدهد که از سبك متداول امروز متمایز است



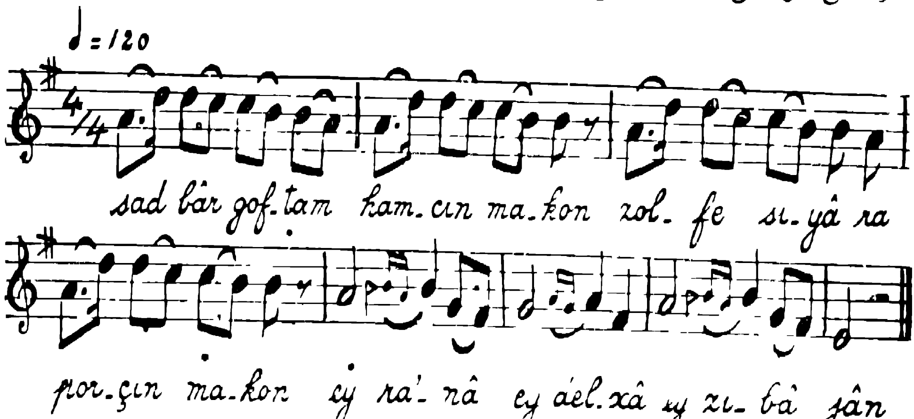
۱ ـ کیجا تِرَ (۱) چِه (۲) چادِرْ نِدارْنی (۳)
مریم بانو جانْ اِی
۲ ـ سَمَندِ سواریْ میرْ (٤) ندارْنی ـ مریم بانو جانْ اِی
آی مریم نمیره بِه (٥) مارْ (٦)
تا ر نوینه (۷) اینْ زار

دختر ترا چه شده است که چادر نداری
مانند اسبِ سواری که مهتر ندارد
ای مریم، مادرت نمیرد
تا ترا باین حال زار نبیند

(۱) ترا (۲) چیست (۳) نداری (٤) مهتر (٥) تو (٦) مادر (۷) نبیند

زیباجوان

این ترانه که در گرگان نوشته شده جزء آهنگهای بازاری نمیباشد و بندرت شنیده میشود اسم مخصوصی هم ندارد و کلمهٔ «زیبا» از اشعار آن انتخاب شده است هیچگونه اثری جز همین آهنگ جذاب و یك بیت شعر از آن باقی نمانده و شاید خیلی قدیمی باشد و بترانه‌های اطراف «کتول» بیشتر شباهت دارد بهرحال از لحاظ موسیقی دارای دو جزء متمایز است که هر کدام ممکن است برای ساختن یك قطعهٔ موسیقی سرمشق و نمونهٔ خوبی باشد



صدبار گفتم همچین(۱) مکن زلف سیا(۲) ر(۳) پرچین مکن

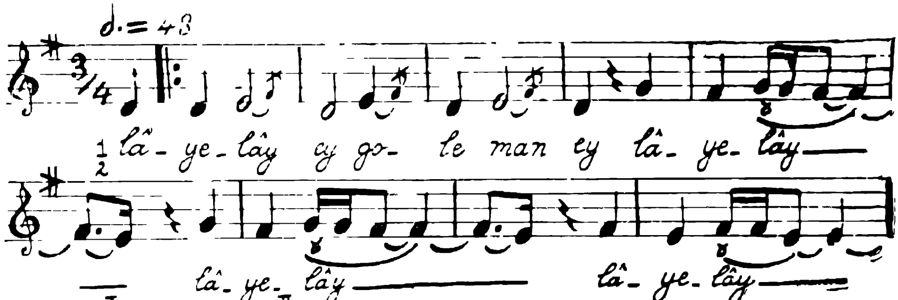
ای رعنا ـ ای دلخوا(۴) ـ ای زیبا جان

---

(۱) همچنین (۲) سیاه (۳) را (۴) دلخواه

لای لای

در صفحات شمال ایران لالائی با آهنگ های مختلف معمول است و غالباً با اشعار کوتاه خوانده میشود دونوع لالائی که اوّلی در گرگان و مازندران خوانده میشود و دوّمی فقط در گرگان شنیده شده دراینجا نوشته میشود لالائی شمارهٔ یك از لحاظ موسیقی در مایهٔ شور و ازلحاظ تِمْ (Theme) بی شباهت به «نرگس علّه پائی» نمیباشد لالائی دوّم را که چهار ضربی است از لحاظ مایه میتوان جزء دشتی محسوب کرد که مانند فرود معمول دشتی روی نت سوم شور توقف میکند و با اینکه آنرا در مایهٔ بزرگ تصور کرد که روی نت های درجهٔ سوم و دوم توقف کرده در روی تونیك گام بزرگ خاتمه مییابد

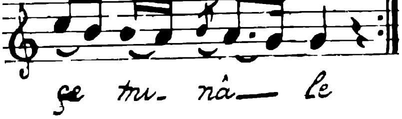




۱ - لای‌لای ای گُلِ من ای لای‌لای
لای‌لای - لای‌لای

۲ - تو گل گلشن من ای لای‌لای لای‌لای - لای‌لای





۱ - لالالا گل لاله پلنگ در کوچه میناله(۱)

۲ - پلنگ در کوچه میناله برای دختر خاله

۳ - لالالا گلِ فندق مادرت(۲) رفته سرِ صندوق(۳)

۴ - لالالا گلِ زیره ترا خواب خوشت گیره(۴)

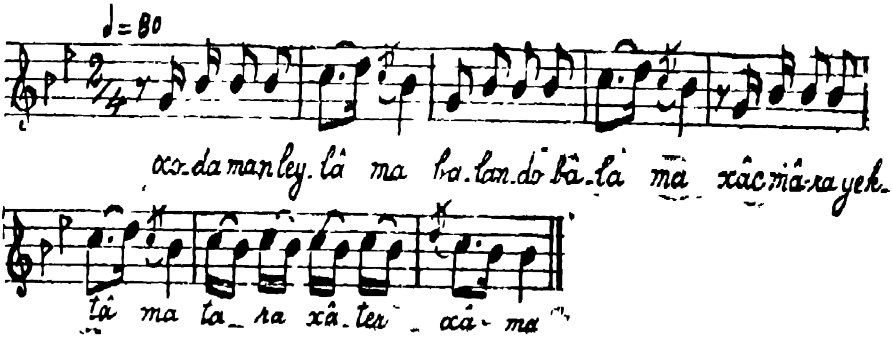
۵ - لالالا گلِ خشخاش بابات رفته خدا همراش

---

(۱) مینالد (۲) مادرت (۳) صندوق (۴) گیرد

لیلا مه

این ترانه که دارای وزنی خوشحال است دردهات مغرب گرگان معمول میباشد و اشعار آن برعکس ترانه های دیگر بوزن دوبیتی نمیباشد. میگویند «لیلا» زنی بوده است که در دهی واقع در بیست کیلومتری غرب گرگان موسوم به «آلنگ» زندگی میکرده وبطوریکه خود در وصف خویش گفته، زیبا و بلند قامت ورشید بوده است. اشعار و آهنگ این ترانه قدیمی است و اهالی محل هم بقدمت آن اعتراف دارند. از لحاظ موسیقی، این آهنگ در مایهٔ سه گاه میباشد

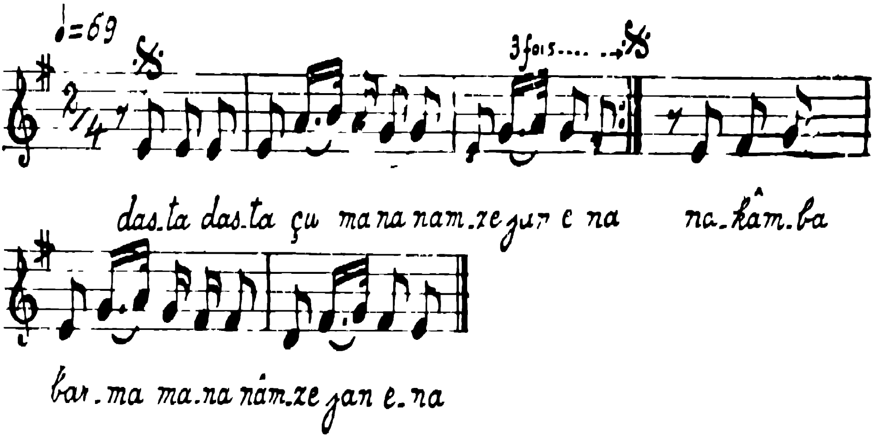


خُـدا مَن لیلا مَه(۱)	خدا من لیلا هستم
بُلند و بالا مَه	بلند بالا هستم
خاش(۲) مارَ(۳) یکتا مَه	یگانه فرزند مادر هستم
تَرَ(٤) خاطر خوا مَه	خاطر خواه تو هستم

(۱) هستم (۲) خویش-خود (۳) مادر (٤) ترا

نامزه جان

این ترانه که بنا بروایت پیرمردان گرگان بسیار قدیمی است اشعار مخصوصی دارد که بوزن دوبیتی نمیباشد واشعار معرّف رسومی است که از زمانهای سابق معمول بوده و اکنون متروک شده است از قبیل بردن عروس باکسانیکه با چوب دستی های بزرگ اورا مشایعت میکنند. آهنگ این ترانه در مایهٔ شور و دارای دوجزء است که نخست روی درجهٔ دوّم و بعد روی درجه اوّل گام شور فرود میآید

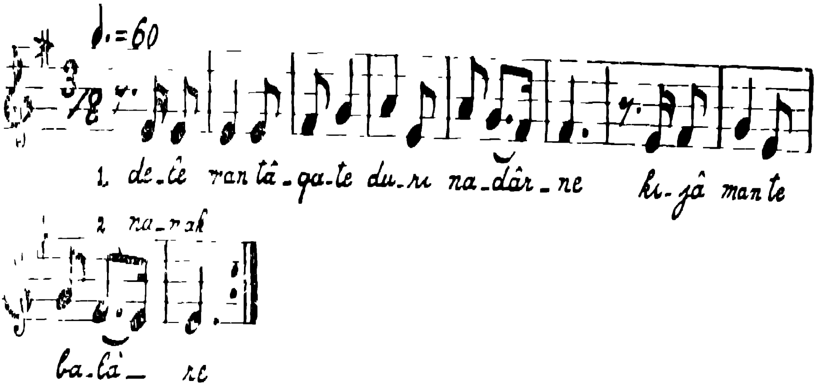


۱ ـ دَسته دَسته چو (۱) مَنه (۲) نامزه‌جان اِنه (۳)	نامزدجان من باچوب دست‌دار همیاید
۲ ـ نقره دَسته چو مَنه نامزه‌جان اِنه	با چوب‌هائی که دستهٔ نقره‌ای دارد
۳ ـ چشمانِ سُرمَه مَنه نامزه‌جان اِنه	نامزدجان من باچشمان سرمه کشیده‌میاید
٤ ـ نکامبه(٤) بزمه(٥) مَنه نامزه‌جان اِنه	دیگر نخواهم گریست ـ نامزدجان من میاید

(۱) چوب (۲) مال‌من (۳) میآید (٤) نمیکنم (٥) گریه

کیجا من ت بالاره

ترانهٔ ساده و قدیمی است که بیشتر در دهات اطراف گرگان خوانده میشود و مردم کهن سال نیز آنرا بهمین طریق میسرایند اشعار ترانه بورن دو بیتی است و اشعار اصلی آن بر کسی معلوم نیست و با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود این آهنگ در مایهٔ شور است



	ترجمه
(۱) دل من طاقت دوری نداره (۱)	دل من طاقت دوری ندارد
کیجا من ت (۲) بالاره (۳)	من قربانت دختر
(۲) نمك بر دست من شوری نداره کیجا من ت بالاره	نمك بر دست من شوری ندارد ـ من قربانت دختر
(۳) من و تو آب یك رودخانه بیمی (۴) » » »	من و تو آب یك رودخانه شدیم » » »
(۴) من و تو گندم یك دانه بیمی » » »	من و تو گندم یك دانه شدیم » » »

(۱) ندارد (۲) تو (۳) دورت بگردم ـ قربان بروم (۴) شدیم

ثریا

این ترانه در صفحات گرگان و مازندران خوانده میشود و قرینه‌ای در دست نیست که مخصوص صفحات شمال ایران باشد زیرا در نقاط دیگر ایران هم معمول است



سر راهت نشینم گل بچینم   اگر شمشیر ببارد بر سرم
چه باشد جان من در راه عشقت   که از تسلیم آن من بر گریزم
ثرّیا ـ بی‌وفا ـ دیگه(۱) نمیام(۲) آن راسّه(۳) ـ دیگه نمیخورم غصّه

دل من روز و شب از غصّهٔ یار   شده از دوریش خونین بیمار
دل یارم ز حال و روزگارم   خبر دارد که باشد غصه ام کار
ثرّیا ـ بی‌وفا ـ دیگه نمیام آن راسّه ـ دیگه نمیخورم غصّه

---

(۱) دیگر (۲) نمیآیم (۳) راسته

آی زهرا زهرا

در بارهٔ این آهنگ نحوی نمیتوان قضاوت کرد که ازچه ناحیه‌ای برخاسته زیرا در اغلب نقاط معمول است و چون وزن دو بیتی است با اشعار مختلف خوانده میشود ولی در گرگان و اطراف آن بیشتر متداولست آهنگ آن ساده و موقّر و در مایهٔ سه گاه میباشد



(۱) دلی دارم دل دیوانهٔ تو — آی زهرا زهرا
(۲) قُرُقْ کردی نیایم خانهٔ تو — « « «
(۳) قرق کردی که من مسجد نخوانم — « « «
(۴) تنم در مسجد و دل خانهٔ تو — « « «

زهراجان

این آهنگ که در مایهٔ سه گاهست در دهات اطراف گرگان خوانده میشود و شبیه نوحه خوانی است وشاید آهنگ آن مربوط بتعزیه باشد. اشعار این ترانه بوزن دو بیتی نیست و از اینرو دست نخورده میباشد در صورتیکه تندتر از وزن معمولی خود و باحرکت متوسط نواخته شود زیباتر خواهد بود



(۱) مَن از روز اوّل چشمانتْ بدیمه (۱) زهراجان
(۲) عاشق رُخسارِ بیکویتْ بویمه (۲) زهراجان
(۳) چکنم اندر دِلتْ رحمی دَنیه (۳) زهراجان
(٤) که روز و شب از غمت ذلیل بویمه زهراجان

ترجمه:

من از روز اول که چشمانت را دیدم
عاشق رخسار نیکویت شدم
چکنم در دلت رحمی نیست
که روز و شب از غمت ذلیل شدم

(۱) بدیدم (۲) شدم (۳) نیست

دو ترانهٔ ترکمنی



این دو آهنگ نمونه‌ایست از نغمه‌های ترکمنهای دشت گرگان که در گنبد قابوس نوشته شده همانطور که آداب و رسوم و وضع زندگانی ترکمنها با فارسی زبانان گرگان اختلاف دارد، آهنگ‌های محلی آنها نیز وضع مخصوصی دارد و بیشتر برای رقص است با این دو نغمه میتوان رقصید و از نوشتن اشعار آن چون زبان فارسی نبود صرفه‌نظر شد.



نوروزخوانی

در صفحات شمال ایران معمول است که از بیست روز به عید نوروز مانده نوروزخوانی میکنند باین ترتیب کسانی که سابقه در این کار دارند دوره گردی کرده اشعاریرا که با خود ساخته یا دیگران در وصف نوروز سرائیده اند میخوانند و از صاحبان خانه‌ها انعام میگیرند و اینکار از زمانهای قدیم نیز متداول بوده چنانکه در تهران هم درویشها جلوی خانه‌ها برای همین منظور چادر میزدند البتّه چون اشعار از اشخاص مختلف است و اغلب بنا باقتضای وقت ساخته میشود ارزشی از لحاظ قدمت ندارد آهنگ این ترانه نیز ساده ومعمولی است وبنظر آشنا میآید شاید در تهران هم شنیده شده باشد این نغمه دارای دوعضو جمله است که قسمت اوّل شبیه بابوعطاست و عضو دوّم جمله در شور فرود میآید



بهار آمد که مرغان در فغانند   امیرارسلان را نوحه خوانند

ربابه

ترانه ایست که در صفحات مازندران و گرگان خوانده میشود و این طور بنظر میآید که از مازندران بگرگان رفته باشد اشعار مخصوصی هم ندارد و برای خواندن یک دو بیتی باید دوبار آهنگ را تکرار کرد یکی از دو بیتی‌های محلی مازندران برای خواندن آن انتخاب و نوشته شد.



	ترجمه
— بند اوّل —	
تِه وِسّه(۱) بَ اِیمه(۲) بیمار و خَسّه(۳)	برای تو شدم بیمار و خسته
ای ربابه جان — ای ربابه	
تِه وِسّه هَدامه(۴) ریحان گُلدسته	فرستادم برت گل دسته دسته
ای ربابه جان — ای ربابه	
— بند دوّم —	
آنگاه تِه مار(۵) تِرَ گهواره وَسّه(۶)	ترا تا مادرت گهواره بسته
ای ربابه جان — ای ربابه	
عَقدِ مَن و تِرَ خدا دَوَسّه(۷)	دل ما را بهم یکباره بسته
ای ربابه جان — ای ربابه	

(۱) برای (۲) شدم (۳) خسته (۴) دادم (۵) مادر (۶) می‌بست (۷) بسته

نوای عروسی

این آهنگ بدون همراهی شعر با کمانچه توسط گودارها (کولی‌ها) که مطرب مجالس عروسی هستند نواخته میشود ونام خاصی ندارد آهنگ آن بی شباهت بورساقی نیست باستثنای قسمت آخر، تمام آهنگ در مایهٔ شور و عبارت است از یک نغمهٔ کوچک یک میزانی که بچند نوع مختلف بطور طبیعی پرورش یافته است. قسمت خاتمهٔ آن درعشاق است که بشور فرود میآید آهنگ آن هم‌حدّاب وخوشحال است



خدا تر نیره میجا

این آهنگ که قسمت اوّل آن کاملاً شبیه بآهنگ « آی رهرا رهرا » ودر مایهٔ سه گا هست از ترانه های معمول و بازاری مازندران مخصوصاً ساری و بابل است و آنرا با حالت محزونی میخوانند واشعار خاصی ندارد قسمت اوّل آهنگ بادوبیتی های مختلف خوانده میشود و قسمت دوّم با یك مصراع هشت سیلابی که همان نام ترانه است چنانکه ملاحظه میشود آخر ترانه هم شعر مخصوصی دارد که معرّف رسوم متداوله میباشد

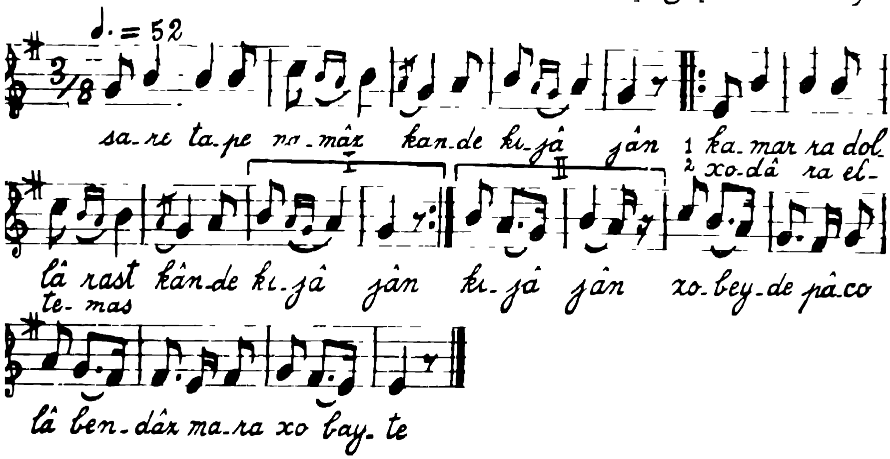


دل من مثل دیگچه میزند جوش ـ کیجا (۱) خدا تر (۲) نیره (۳) میجا (۴) | خدا ترا ازمن بگیرد
دلبرجان حرف مردم را مده گوش ـ کیجا » » » »
دلبرجان حرف مردم بانداره (۵) ـ کیجا » » » »
خدا دونه (۶) دائم میل تو داره ـ کیجا » » » »
کیجا مَرَ چشمك بزو (۷) | دختر بمن چشمك زد
شه (۸) چشم رَ (۹) سَرمك (۱۰) بزو | چشم خودرا سرمه کشید

(۱) دختر (۲) ترا (۳) بگیرد (۴) ازمن (۵) ندارد (۶) میداند (۷) زد (۸) خودش
(۹) را (۱۰) سرمه

زبیده

مشهورترین ترانهٔ صفحات شمال ایران است میگویند زبیده زنی زیبا وبا خدا و از اهل قریهٔ کرد محله بوده است و شاید همین زیبائی وبا خدائی او را مشهور کرده وسبب ایجاد این ترانه شده باشد این ترانه ازسه مصراع بوزن دوبیتی تشکیل میشود که آهنگ هرسه مصراع آن یکی است و آهنگ و وزن شعری مصراع چهارم تغییر میکند و درعین سادگی، جذّابیّت خاصی دارد وخوانندگان محلی آن را بحالتی حزین وغمناک میخوانند ترانه هائی شبیه بآن در کردستان و گیلان نیز معمول است که قدیمی مینمایند و شاید این ترانه هم ازهمان قبیل باشد



سر تپه نماز کانده (۱) کیجا (۲) جان
کمر رَ (۳) دُ لا (۴) راست کانده کیجاجان
خدا رَ التماس کانده کیجاجان
زبیده پاشو لا (۵) بندار مَرَ (۶) خو (۷) بیته (۸).

ترجمه

دلبر من سر تپه نماز میگزارد
کمر خودرا خم و راست میکند
خدای‌را التماس میکند
زبیده برخیز رختخواب بینداز
مرا خواب گرفته است.

(۱) میکند ـ میگزارد (۲) دختر (۳) را (۴) خم (دولا) (۵) رختخواب (۶) م
(۷) خواب (۸) گرفته

سفیده مرغمه

این آهنگ دلکش و زیبا که نام مخصوصی ندارد با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود. برای نمونه آنرا با یکی از دوبیتی های معمول نوشته و نام اوّل شعر را روی آهنگ گذارده است تا از دیگران متمایز باشد و چون در مازندران و گیلان هردو خوانده میشود بتحقیق معلوم نیست از کجاست آهنگ ترانه بسیار موقر و سنگین و در مایهٔ افشاری است



سفیده مَرْغِمه (۱) خوش خطّ و خوش خال
کنار و لب دریا بال زِمّه (۲) بال
کَرْجی دارانْ مَرَ (۳) نَکِنِن (۴) دَنْبال (۵)
مَرَ نَتونّه (۶) بَیره (۷) رستمِ زال (دومرتبه)

مرغ سفیدی هستم خوش خطّ و خال
در کنار دریا میزنم بال
کرجی داران مرا دنبال نکنید
رستم زال هم مرا نمی‌تواند بگیرد

(۱) مرغ هستم (۲) میزنم (۳) مرا (۴) نکنید (۵) دنبال (۶) نمیتواند (۷) بگیرد

کبوتر

این ترانه که از آهنگ های قدیمی و روستائی است و در مازندران و گرگان خوانده میشود و گاهی آنرا در آخر ترانهٔ بر کس علّه پائی نیز میسرایند ممکن است از نغمه های محلی گرگان باشد مانند اغلب ترانه‌های صفحات شمال ایران از دشتی شروع میشود و به شور فرود میآید نام مخصوصی هم ندارد و با دوبیتی های مختلف خوانده میشود



برو دختر که من بیزارم از تو   در این کارم که دست بردارم از تو
گمان کردی که من یاری ندارم   گلی دارم که بویش بهتر از تو

کبوتر آی کبوتر آی کبوتر   کبوتر بهتره یا مَس ِ(۱) دختر
کبوتر پر پری مرغ هوا یا (۲)   کیجا(۳) جان مرهم زخم ریکا(۴) یا

---

(۱) مست (۲) است (۳) دختر (۴) پسر بچه

ماری

ترانه‌ایست نزدیک بآهنگ‌های مازندرانی ومیگویند «ماری» مخفّف کلمهٔ مریم است این ترانه با دوبیتی های مختلف خوانده میشود و شعر مخصوصی ندارد وفقط جملهٔ آخر که مربوط به «ماری» است در آخر دوبیتی‌ها تکرار میشود ترانه ایست بوزن معمول و باراری و در سایر نقاط نیز معروف شده چنانکه در تهران نیز با اختلاف مختصری درآهنگ متداول میباشد ازلحاظ مایه مانند اغلب ترانه‌های صفحات شمال در دشتی و شور است



ستاره آسمان میشمارم امشب   برو یارم بگو تب دارم امشب

برو یارم بگو امشب بیاید   تمام دشمنان بیدارنْ(۱) امشب

ماری رَ(۲) ـ ماری مَرَ ـ میخوادْ(۳) ـ مَنْ ماری رَ

---

(۱) بیدارند (۲) را (۳) میخواهد

آهنگ طبری یا امیری

گرچه آهنگ های محلی معمولاً ازجمله های کوچك موزون تشکیل میشود ولی در مازندران آهنگی بنام امیری یا طبری مشهور است که مانند آواز های بی ضرب ایرانی از قید وزن آزاد است و بهمین جهت همه کس از عهدهٔ خواندن آن برنمیآید مگر خوش صوت باشد و بتواند ازعهدهٔ ادای علت های آواز امیری برآید این آهنگ معمولاً بااشعار شاعر معروف مازندرانی **امیر پازواری** که ازاهالی دهی در شش کیلومتری بابل بنام **پازوار** بوده سرائیده میشود اشعار امیر اغلب در وصف معشوقهٔ او موسوم به **گهر** سروده شده و داستان عشق امیر و گهر در مازندران ضرب المثل میباشد چون این آهنگ بسیار زیبا و جذاب و اشعار امیر نیز لطیف و دلکش است ، اهالی مازندران باین آهنگ واشعار ، علاقهٔ مخصوص دارند وآن را بردستگاههای آوارها ترجیح میدهند

اینك نمونه ای از این آواز معروف را با دو بند از اشعار امیر پازواری برای استفادهٔ خوانندگان میگذاریم و ضمناً این نکته را هم متذکر میشویم که در موقع خواندن این آهنگ ، نخست ، آوازه خوان یك بند از اشعار امیر را بتنهائی میسراید ، سپس یکی از ترانه های معمول دیگر را چند بفر بشیوهٔ تصنیف ، بعد ازخواننده بطور دسته جمعی میخوانند در نت نویسی این آهنگ ، قسمت اول که عبارتست از آواز امیری درصفحه ۳۹ وقسمت دوم که شامل یکی از ترانه های متداول مازندران است درصفحه ۳۸ نوشته شده است

مریم بانو

ترانه های زیادی بنام «مریم بانو» در صفحات شمال خوانده میشود. آهنگ این ترانه بخلاف ترانهٔ قبلی (ص۱۶) که درسه گاه بود در دشتی است و شاید هر دو آهنگ در وصف یک تن ساخته شده باشد. اشعار این ترانه بوزن دوبیتی است و چون در مازندران شنیده شده با اشعار مازندرانی نوشته شده است



۱ ـ شب شنمْ زمین نَه(۱) بو وُ بَه(۲)
مریم بانو جان ای
— با شبنم شب زمین، گل نمیشود

۲ ـ بخواسته یارْ دل غمْ کمْ نووه
مریم بانو جان ای
— با یار ناخواسته، غم دل کم نمیشود

۳ ـ نخواسته یارْ بمثل ترسه(۳) لیمو
مریم بانو جان ای
— یار ناخواسته مانند لیموی نرسیده است

هرچه دستْ ترسی و(۴) ندنه(۵) بو
مریم بانو جان ای
— که هرچه با آن دست بزنی بو نمیدهد

این کار چه کاره ـ مریم بانو ـ جان ای

دلمْ بیقراره ـ مریم بانو ـ جان ای

(۱) تن ـ جنس ـ گل (۲) نمیشود (۳) نرسیده (۴) او (۵) نمیدهد



بقیهٔ آهنگ در صفحهٔ مقابل است.



(۱)

ای ـ امیر گوته(۱) که مِ(۲) کار چه زار بو بِه(۳)	امیر گفته است که کار من چگونه زار شد
مِ پوستِه(۴) کلا(۵) شالِ(٦) بهار بو بِه	که کلاه پوستی مردانهٔ من بهار شغال شد
تشقاب پلا(۷) حوار(۸) اطاق دار بو بِه	کسی که از ته‌شقاب پلو میخورد اطاق‌دار شد
کال چرم(۹) دار زین سوار بو بِه	چارُق دار سوار اسب زین دار شد

(۲)

ای ـ تماشین(۱۰) سرو(۱۱) ویشه(۱۲) ونه(۱۳) خاموش	آمد غروب و بیشهٔ انبوه شد خموش
تَس(۱۴) بلبل صدا نبو(۱۵) مَن(۱۶) گوش	هردم نوای بلبل مستی رسد بگوش
نامرد فلک حلقه دیگو(۱۷) مَن گوش	چرخ دنی فکنده یکی حلقه‌ام بگوش
وین(۱۸) خردَن(۱۹) بُردن(۲۰) چار(۲۱) کس(۲۲) دوش	باید که مرد و رفت بروی چهاردوش

برگردان

سر بالا هکن(۲۳) خارش(۲۴) خدا ر(۲۵)	سرت را بالا کن تا خدا را ببینی
نبادا بشکنی عهد وفا ر	مبادا بشکنی عهد وفا را

---

(۱) گفته (۲) من (۳) شده است (۴) پوستی (۵) کلاه (٦) شغال (۷) پلو (۸) خورند
(۹) چارق (۱۰) عصر (۱۱) وقت (۱۲) بیشه (۱۳) شد (۱۴) دست (۱۵) آمده (۱٦) من
(۱۷) انداخت (۱۸) باید (۱۹) مردن (۲۰) رفت (۲۱) چهار (۲۲) کس (۲۳) بکن (۲۴) ببین
(۲۵) را [ترجمهٔ اشعار بند دوم از آقای محمد عاصمی است که از شمارهٔ ۱۳ روزنامهٔ زبان ملت
]

کریشیم

این آهنگ که در دلکش ماهور است در رشت معمول شده و در تنکابن و لاهیجان هم خوانده میشود قسمت اوّل این ترانه با کلمات کریشیم وقسمت دوّم با یك دو بیتی خوانده میشود ومجدداً کلمات کریشیم در آخر آن تکرار میشود.



کَرَیشیم (۱) ـ کَرَیشیم عزیز کَرَیشیم ـ کَرَیشیم عزیز کریشیم بابام کریشیم

ت (۲) امَ (۳) ال (۴) بال ـ دریا کنار شیم (۵) — همراه تو دست بدست بکنار دریا برویم

کوچی (٦) کُرچی تورای (۷) بادبان فکوشم (۸) — ای کرجی کوچك ، بادبان ترا بالا میکشم

کنار سیفده (۹) رود سامان کنم شم (۱۰) — کنار سفیدرود را هدف خود قرار میدهم و میروم

کنار سفیده رود می (۱۱) توم بیجار (۱۲) — کنار سفیدرود ، در مزرعهٔ شالی من

بای تا (۱۳) گل (۱٤) اویا (۱۵) ی (۱٦) دیل (۱۷) دوچار — دل من بیك گلی در آنجا بسته است

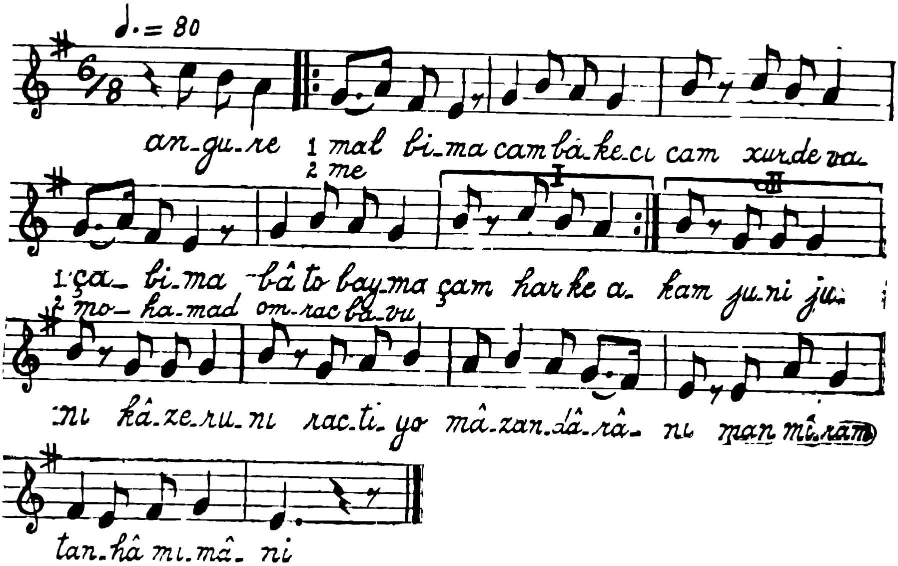
کریشیم ـ کریشیم عزیز کریشیم . . . . .

---

(۱) از کنار رویم (۲) تو (۳) همراه (٤) دست بدست (۵) برویم (٦) کوچك (۷) ترا
(۸) بلند میکنم ـ بالا میکشم (۹) سفید (۱۰) میروم (۱۱) مال من (۱۲) مزرعهٔ شالی
(۱۳) بیك تا (۱٤) گل (۱۵) آنجا (۱٦) من (۱۷) دل

جونی جونی

این ترانه ظاهراً مازندرانی است ولی در گرگان و رشت نیز خوانده میشود و در سایر نقاط هم شنیده شده است آهنگ ترانه بنغمات سواحل دریای خزر شباهت کامل دارد و با اشعار دوبیتی خوانده میشود فقط در قسمت آخر برگردانی دارد که تکرار میشود ازلحاظ مایه در دشتی و شور است و دارای دوقسمت میباشد که اوّلی چهار دفعه تکرار میشود و دوّمی مخصوص خاتمه است



انگور مل(١) بمه(٢) شم(٣) بکشی(٤) شم	درخت مو بودم درحال رشد کردن
خورده(٥) و چه(٦) بیمه باتو بمه(٧) چم(٨)	کودك خردسالی بودم که باتو دوست شدم
هر که امه(٩) میون(١٠) ر(١١) زنده(١٢) بر هم	هر کسی میان ما را بهم میزند
بحق محمّد عمرش بو(١٣) کم	بحق محمّد عمرش کم بشود

جونی جونی – کازرونی – رشتی و مازندرانی

من میرم(١٤) تنها میمانی

(١) مو (٢) بودم (٣) رشد (٤) کشیده شده (٥) کوچك – خُرد (٦) بچه
(٧) شدم (٨) رام – دوست (٩) ما (١٠) میان (١١) را (١٢) میزند
(١٣) بشود (١٤) میروم

ای امان

این آهنگ در قومس معمول است و در موقع خواندن آن، اشعار بوسیلهٔ مردها و کلمات «آی آمان» بطور دسته جمعی بوسیلهٔ زنان که صدای خود را با مردان هم آهنگ میکنند سرائیده میشود این نغمه در مایهٔ اصفهان و همایون است



آی امان ـ امان و امان امان

دیلالی (۱) ـ دیلالی ـ نامش پری نه ـ امان	ای دختر که نامت پری است
پوتین گالش اشتو (۲) پا کن (۳) در نه (۴) ـ امان	پوتین و گالش بپایت کرده ای

آی امان ـ امان و امان امان

عباس کهم (۵) دومه (۶) اشتو خریده (۷) ـ امان	میدوم تا کوه عباس کهم برای خریدن آن
گرد (۸) دنیا دومه اشتو مار نه (۹) ـ امان	دور دنیارا میدوم برای خاطر تو

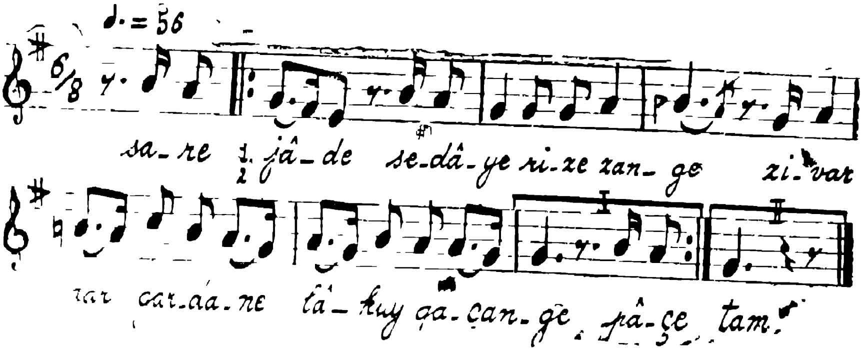
آی امان ـ امان و امان امان

---

(۱) دختر (۲) تو (۳) زیر (۴) داری ـ پوشیده ای (۵) نام کوهی است در اطراف ماسوله (۶) میدوم (۷) میخرم (۸) دور (۹) برای خاطر مادرت

زیور

این ترانه در لاهیجان و تنکابن و رشت زیاد شنیده شده و در گرگان هم معمول است و اخیراً در شرف منسوخ شدن است نام مخصوصی هم ندارد و یکی از کلمات اشعار بعنوان نام آن انتخاب شد اشعار آن بوزن دو بیتی میباشد و جملهٔ دیگری در آخر آن میخوانند که بعداً اضافه شده و اصل ترانه بهمان کیفیتی است که در این جا نوشته میشود



۱ سر جاده صدای ریزه (۱) زنگه
زیور در گردن لاکوی (۲) قشنگه

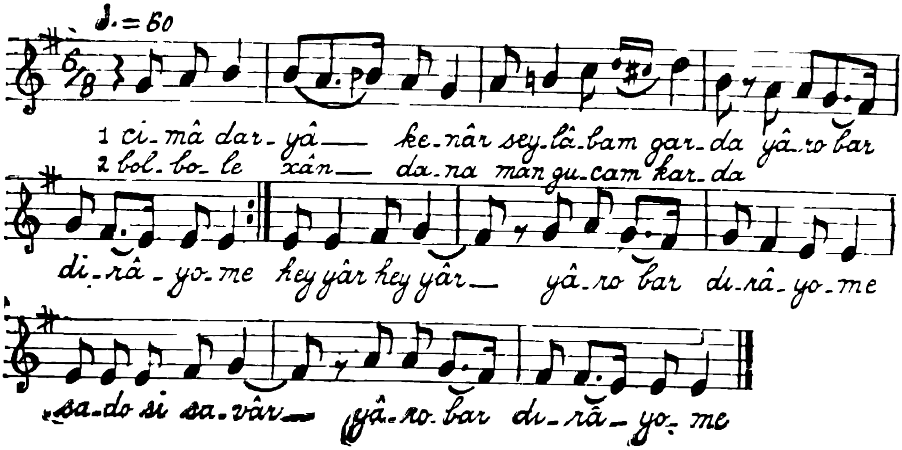
۲ پاچه (۳) لاکوی، من ازبوی تو مستم
تو گل برخدا دل سر تو بستم

در جاده صدای زنگوله میآید
جواهر در گردن دختر، قشنگ است
دختر کوچولو، من از بوی تو مستم

(۱) کوچك - ریز (۲) دختر (۳) کوچك

هی یار - هی یار

این ترانه در « رضوان‌ده » طالش نوشته شده و در زمرهٔ « تاره دستان » و دارای دو قسمت میباشد که قسمت اول آن از دشتی شروع شده مانند قسمت دوم بشور فرود میآید در طالش، بازاری است در قومنات هم خوانده میشود



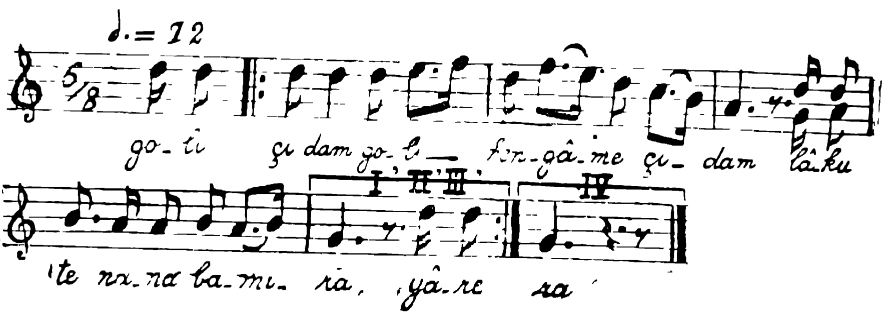
چیما (۱) دریا کنار سیلابَم (۲) کَرْدَه (۳)
یار و بَرْ (۴) دیر (۵) آیمه (۶)
بلبل خواندن من گوشَمْ کَرْدَه (۷)
یار و بَرْ دیر آیمه
هی (۸) یار - هی یار - یار و بَرْ دیر آیمه
صد و سی سوار - یار و بَرْ دیر آیمه

میروم کنار دریا سیلاب را تماشا کنم
یار، برای بردن من آمده است
خواندن بلبل را گوش کنم
یار، برای بردن من آمده است

(۱) میروم (۲) سیلاب را (۳) تماشا کنم (۴) برای (۵) بردن من (۶) آمده
(۷) کردم (۸) ای.

لاکو

این ترانه ظاهراً بطرز گیلکی میآید ولی در لاهیجان شنیده شده و ممکن است مربوط به تنکابن هم باشد زیرا کلمهٔ « لاکو » در تنکابن زیاد مصطلح است . درهرحال ترانهٔ زیبائیست که ازعشاق شروع میشود و بدشتی فرود میآید و در صفحات شمال در شرف از بین رفتن است و بهمین جهت شاید قدیمی باشد و اهالی محل از تکرار آن خسته شده باشند این آهنگ در تهران هم شنیده میشود و در عین کوچکی بسیار جذاب و شیرین است

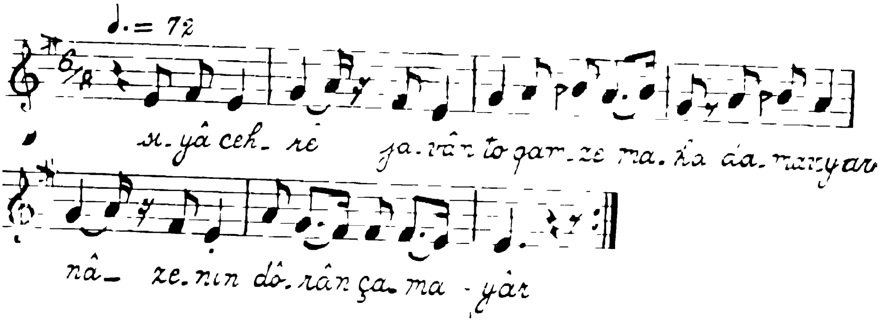


١ ـ گلی چیدم گلی همگامه چیدم	لاکو(١) تِه(٢) نه نه(٣) بمیره(٤)
٢ ـ یار خود را دمِ سرچشمه دیدم	» » » »
٣ ـ بچشم دیدم بدل آهی کشیدم	» » » »
٤ ـ گمان کردم مرادِ خود رسیدم	» » » »

(١) دختر (٢) تو (٣) مادر (٤) بمیرد

دموير نازنين

ترانه ایست زیبا وخوش حالت در مایهٔ شور که در طالش معروف است وپس از خواندن هر مصراع جملهٔ « دموير نازنين » تکرار میشود . گاهی تنهائی و گاهی در دنبال ترانهٔ «شوخ وشمگه» سرائیده میشود



سیاه چهره جوان تو غمزه مکـه (۱)
دموير (۲) نازنين دوران چمه (۳) یار
اشتی (٤) عاشقی (٥) مه اشکار (٦) مکه
دموير نازنين . . . . .

جوان سیاه چهره غمزه مکن
مگذر نازنین یار، دنیا بکام من است
عاشق تو هستم، آشکار مکن

(۱) مکن (۲) مگذر (۳) مال من (٤) تو (٥) عاشق هستم (٦) آشکار

لیلابانو

این ترانه در قومس نوشته شده و آهنگ آن در ابتداء بیشتر بآواز شباهت دارد و نغمات گیلکی نزدیکتر است همانطور که زبان اهالی قومس مخلوطی از لهجهٔ گیلکی و طالشی است، این آهنگ هم با آهنگهای دیگر گیلکی و طالشی شباهت دارد این نغمه با نصف دوبیتی تمام میشود و باید دومرتبه تکرار شود کلمهٔ «لیلابانو» هم در آخر مصراع مجدداً خوانده میشود



(۱)

سر کوهی بشم (۱) گندم بچینم لیلابانو گندم بچینم	رفتم سر کوه، گندم هارا بچینم
مه (۲) بال (۳) تیرخوزیه (۴) کر (۵) ترسم بمیرم	تیری بازویم خورد ـ میترسم بمیرم

لیلابانو ترسم بمیرم

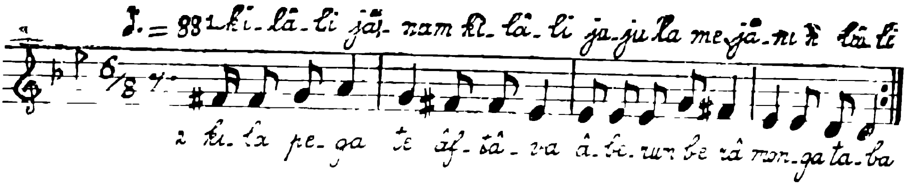
(۲)

بشم یار ور جه (۶) مرهم بگیرم لیلابانو مرهم بگیرم	بروم نزد یار، مرهم بگیرم
اگر مرهم نبو (۷) ترسم بمیرم لیلابانو ترسم بمیرم	اگر مرهم نباشد، ترسم بمیرم

(۱) بچینم (۲) من (۳) بازو (۴) خورده (۵) دختر (۶) پهلو (۷) نباشد

کیلالی

میگویند از آهنگ های قدیمی طالش است که بنام « قدیم دستان » معروف شده نغمه‌ایست مختصر که شعر آن بوزن دوبیتی نیست و برای خواندن چهارمصراع باید دومرتبه آهنگ‌را تکرار کرد این ترانه در مایهٔ چهارگاهست



کیلالی (١) جانم کیلالی	دختر جانم ، دختر
جوجوله(٢) مجانی(٣) کیلالی	پستانهایت جان من است ، دختر
کیله(٤) بیگه(٥) تِه(٦) آفتاب وه(٧)	دختر ، بگیر جلوی آفتاب‌را که بصورت نتابد
آرون(٨) برا(٩) مَگه(١٠) تابه(١١)	در شب‌هائی که مهتاب میتابد ، بیرون بیا

(١) دختر (٢) پستانها (٣) جان‌من‌است (٤) دختر (٥) بردار (٦) تو (٧) آفتاب‌را
(٨) بیرون (٩) بیا (١٠) مهتاب (١١) تابیده است

پاچ لیلی

این آهنگ سادهٔ زیبا در قومس متداول است و از دو قسمت تشکیل میشود که جزء اول در دشتی است و با کلمهٔ « جان جان » که بطور دسته جمعی خوانده میشود پایان مییابد و جزء دوم که دو مرتبه تکرار میشود و با دو کلمهٔ « پاچ لیلی » تمام میشود بمایهٔ شور فرود میآید و برای خواندن یك دو بیتی ٬ باید تمام آهنگ دوبار خوانده شود



(۱)

لب چشمای(۱) بشم(۲) من تشنه بودم - جان جان	لب چشمه رفتم ٬ تشنه بودم
گل سرخ و سفید ر(۳) کاشته بودم - پاچ لیلی(۴)	گل سرخ و سفید را کاشته بودم ٬
(۲ مرتبه)	ای لیلی کوتاه قد

(۲)

گل سرخ و سفید ر کم سیا(۵) به(۶) - جان جان	در گل سرخ و سفید ٬ کمتر سیاهی هست
نمیدانم که یارم بی وفا به - پاچ لیلی (دومرتبه)	نمیدانم چرا یارم بی وفاست

(۱) چشمه (۲) رفتم (۳) را (۴) کوتاه (۵) سیاه (۶) باشد

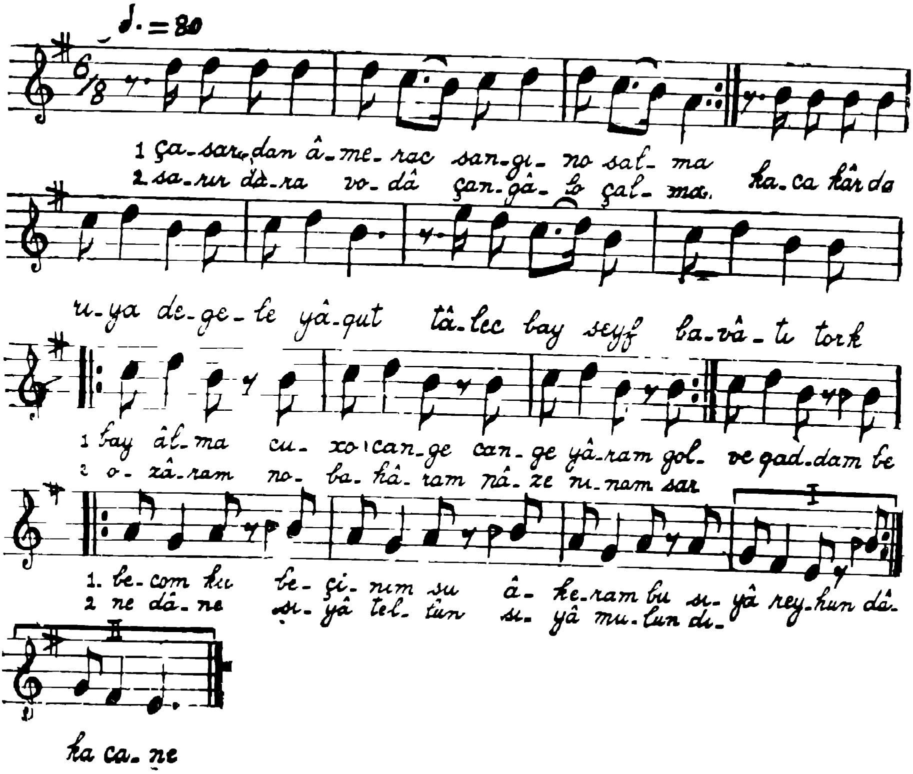
چسر دَن (۱) آمرَش (۲) سنگین و سَلمه (۳)	درحالی که میامد سنگین و باوقار
سَریر (۴) دَر (۵) و دا (۶) چمگال (۷) و چلمه (۸)	سزاوار بود در او گردن‌بند طلائی
کشه (۹) کار دِریَه (۱۰) دِ گلِه (۱۱) یاقوت	در بغل او دو عدد یاقوت بود
طالش یَی (۱۲) سیف (۱۳) بواتی (۱۴) ترک	که‌طالشی‌ها بآن سیب‌میگویند و
یی آلمه (۱۵)	ترکها آنرا آلمه مینامند
شوح و شمگه (۱۶) ـ شمگه یارم ـ گلعدارم	یارم شوخ و زیباست
نوبهارم ـ ناربیمم ـ سرو قدّم	
به (۱۷) بشوم (۱۸) دو (۱۹) ـ بچیمیم سو (۲۰) ـ	بیا برویم بکوهستان و ساقهٔ گلپر
آکرم (۲۱) بو ـ سیا (۲۲) ریحون	بچینیم و ریحان سیاه را
دانه دانه ـ سیا تلوّن (۲۳) ـ سیامواون (۲۴) ـ	دانه دانه بو کنیم ـ زلف سیاه
دیکه (۲۵) شانه	خودرا شانه کن

(۱) درحالی که (۲) میامد (۳) باوقار (۴) سزاوار (۵) در (۶) بود است (۷) گردن بند
(۸) طلائی (۹) بغل (۱۰) دراوست (۱۱) دوعدد (۱۲) آن (۱۳) سیب (۱۴) میگویند
(۱۵) سیب (۱۶) قشنگ (۱۷) بیا (۱۸) برویم (۱۹) کوه (۲۰) ساق گل پر
(۲۱) بکنیم (۲۲) سیاه (۲۳) زلف (۲۴) مو (۲۵) بکن ـ بزن

ادارهٔ موسیقی از آقای موسی معروفی که ازموسیقی دانهای معروف و شریف ایران هستند و نت کلیشه‌های این کتاب را با خط زیبای خود نوشته‌اند بدین وسیله اظهار مسرت و قدردانی میکند.

شوخ و شنگه

این ترانه در رضوان ده طالش نوشته شده است معروف است که طالشی‌ها سه نوع آهنگ دارند قدیم دستان ـ طالش دستان و تازه دستان و این ترانه را از جملهٔ طالش دستان میدانند این نغمه با اشعاری بوزن دو بیتی خوانده میشود و نسبت آهنگ‌های دیگر محلّی مفصلتر است در قسمت آخر آن پس از تمام شدن یك دو بیتی چهار مصراع دیگر سرائیده میشود که با وزن دو بیتی اختلاف دارد این ترانه را میتوان یکی از زیباترین آهنگ‌های طالشی و مانند سایر نغمات گیلکی در دشتی و شور دانست



غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۱	نعماث	نعمات
٦	۱۳	کاهی	گاهی
۱۲	آخر	ده یشین	ده‌نشین
۱۹	۷	بوده	نموده
۲۲	۵	گریرم	گریرم
۲۷	۵	سرفه‌نطر	صرف نظر
۳۸	۵	س و	سرو
٤۵	حاشیه	(٤) دررای	(٤) برای

لالی

این ترانه در اطراف رشت مخصوصاً در حین کباده زیاد سرائیده میشود و ظاهراً جدید بنظر میآید و با اشعاری موزون دو بیتی خوانده میشود مانند اغلب آهنگ های گیلان از دشتی شروع و بشور خاتمه میپابد



کورندس (۱) باسای (۲) سوارم رو برودبار - لیلی (۳)
الایای (٤) کج به (۵) خور باموا (۶) م (۷) کار - للی
میارای (۸) کای (۹) بدیم (۱۰) ج (۱۱) [illegible] (۱۲)
ور (۱۳) - للی

اسب کرند را سوار و عازم رودبار هستم
کلاه را کج میگذارم چون یارمن خورآمد
یارم را کجا دیدم - پهلوی شالی زار

جان للی - جان للی - سرخ پیرهان (۱٤) - للی
خاج (۱۵) خاج تمبان - للی
مرا (۱۶) وعده به (۱۷) بعد از جار (۱۸) بار - للی
جان للی - آخ للی - جان

دختر سرخ پیرهن
که شلوارش خش خش میکند
مرا وعده داد ، بعد از اتمام کار شالی زار

(۱) قرمز رنگ (۲) اسب را (۳) نام دختر (٤) کلاه را (۵) میگذارم (۶) آمد
(۷) من (۸) یاررا (۹) کجا (۱۰) دیدم (۱۱) [illegible] (۱۲) نقطه ای در شمالی زار
(۱۳) پهلو (۱٤) پیراهن (۱۵) خش خش (۱۶) مرا (۱۷) داد - گذاشت (۱۸) مزرعه